

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

د. ا. ق.
۲۷ می ۲۰۱۷

آیا "گلبدین" پیام آور صلح خواهد شد !!!؟

این قلم حسب تصادف روز سه شنبه مؤرخه ۰۵/۲۳/۲۰۱۷ مصاحبه دانشمند محترم داکتر صاحب «میر عبدالرحیم عزیز» را در تیلوویزیون پیام افغان متوجه شدم، نظر به علاقه ای که به تحلیل های داکتر صاحب گرامی دارم الی ختم، برنامه را تعقیب و مشاهده نمودم، ولی در جریان سؤال و جواب مصاحبه داکتر صاحب، از جمله بینندگان و علاقه مندان تیلوویزیون «پیام افغان» وابستگان تروریست حزب «اسلامی» از حقایق به خشم آمده سؤال های خصمانه و عقده مندانه به آدرس جناب داکتر صاحب طرح می نمودند که داکتر صاحب گرامی به بسیار حوصله مندی و با تبحر علمی شان جوابات مستند، ضربه وار ارائه و جریان مصاحبه را دلچسپتر می نمود، که با روشنی انداختن بر موضوعات روز و پیامد های آن بر صحت و اهمیت تحلیل های عالمانه داکتر صاحب صحت می گذاشت ولی کجا است آن عقل سلیم که از شنیدن حقایق به اندازه یک ذره تحمل داشته باشند.

کسانی که با خصومت کینه آمیز و تعصب سؤال می نمودند نمی دانم که اینها در آشوب های چهار دهه کشتار و ویرانی در کجای دنیا زیست داشتند؟

حزب بنیادگرای اسلامی در تبنانی با قوای اشغالگر و سازمانهای جاسوسی در دوران جنگ مقاومت و به ویژه بعد از تجاوز قوای روس مزدورانه دخیل و رکن اصلی ضد مردمی را پدک می کشید؛ و به همین ملحوظ به صد ها مبارز شریف و وطنپرست را در داخل و خارج کشور حتا در کمپهای مهاجران به گلوله بستند.

کادر های حزب اسلامی و وابستگان حزبی و فامیلی آنها؛ با برادران تنی شان اعم از «اخوانی، خلقی و پرچمی» به خواست و امر گلبدین از آغاز اشغال با قوای اشغالگر همنا و همکار بوده اند، و تنها شخص گلبدین نسبت و وظائف مشخصی که داشت از حلقات علنی حزب نام نهاد در خفا شامل انجام وظیفه بود و هم با یک حرکت تکتیکی موقتاً در لست سیاه ثبت شده بود.

امدن گلبدین با تشریفات هالیودی و جعلی در پروسه جنگ «ضد تروریسم» یک مانور نظامی و آتش تفرقه افگنی را شعله ور نموده، که آمدن نحس و شوم گلبدین نه تنها پیام آور صلح نبوده بل آتش جنگ را در کشور زخمی و ناتوان، شعله و رتر خواهد نمود این زدوبند های ضد مردمی توسط حزب «اسلامی» در چهار دهه گذشته با سوگند خوردنها با جناح های متخاصم تکرار در تکرار بوده که همه مردم شرافتمند افغانستان و تاریخ گواه آنست.

اکنون از اعضاء و وابستگان حزب « اسلامی » سؤال باید کرد که گلبدین با کی صلح می نماید ؟ در صورتی که تمام اقوام ، وابستگان شخصی و کادر های حزبی اش بدنه کلی و اساسی حکومت استعماری را تشکیل نموده .

یکی از تروریستان حزبی ابراز نظر نمود که خوب شد که گلبدین "سیدال سخندان" را مردار نمود آیا این دال بر تروریست بودن گلبدین و حزبش نمی باشد . چطور شد که اکنون تنی « خلقی » و قاتل قیام خونین مسلمانان شریف هرات را به آغوش می فشارد .

آیا می توانید شرح دهید که "سیدال" چه جنایتی را مرتکب شده بود به جز خدمت به مردم . و می دانید که "سیدال سخندان" دنیای شرافت بود و تنی مملو از کثافات و بی شرافتی و ذلت و خواری .

تنهائی ، انزوا ، پافشاری و میانجیگری فرزندانش ، تحدید و هراس از جانب طالبان مجبور به تسلیمی تحت حمایه و پوشش قوای اشغالگر صرف به یک زندگی علنی رو آورد . طالب و قعی به او نخواهد گذاشت و نه کدام نقش مؤثری را در آوردن طالبان به میز مذاکره بازی خواهند توانست ؛ از آنجائی که قوای اشغالگر امپریالیستی آتش تنور جنگ را در منطقه خاموش و سرد نمی خواهد .

وابستگان "گلبدین" چشم بینا نداشتند که "گلبدین" سوار بر موتر های شیشه سیاه مدل جدید ضد گلوله امریکائی با اربکی های محلی که مردم قراء و قصبات شرقی کشور از ظلم آنها به ستوه آمده اند داخل شهر کابل شدند . و طبق خبر های لیک شده که هنوز رسانه نی نشده برای مصارف ماهانه وی مبلغ بیست میلیون دالر تثبیت گردیده ، که از بودیجه شورای عالی ضد صلح از طریق امریکا و ملل متحد تأمین و از قبل تعیین شده بود .

اگر از مردم کابل راجع به گردهمایی غازی استودیوم و سخنرانی "گلبدین" سؤال شود اولاً کسی آگاهی ندارد ، ثانیاً احساس ترس و هراس از اختناق آینده می نمایند و صرف از طریق رسانه ها نظاره گر هستند .

کسانی که در استودیوم جمع شده بودند اکثرأ متعلمین و محصلین مکاتب بودند که جهت تماشای صحنه آمده بودند و صحنه سازی شده بود تا نتایج فعالیت های شورای عالی نامنهاد صلح را پر رنگ سازند .

پروژه شورای عالی صلح در سال ۲۰۱۰ توسط حامد کرزی بعداز تأسیس لویه جرگه نامنهاد و امریکا تحت پوشش ملل متحد تأسیس گردید . این پروژه با داشتن بودیجه به مبلغ (۲۵۲،۲۰۵،۲۲۱) میلیون دالر در کنفرانس لندن نهائی گردید .

ممالک کمک کننده عبارت اند از : جاپان ، جرمنی ، اسپانیا ، نیوزرلند ، ایتالیا ، دنمارک و کوریای جنوبی که از جمله رقم بودیجه فوق مبلغ (۴۸۵،۷۶۶،۱۳۱) دالر را تضمین نموده اند .

این مبالغ هنگفت از آغاز کار تا اکنون از "ربانی" تا "گیلانی" با پرداخت معاشات الی بیست هزار دالری در امتیاز دهی به سران « تنظیمی » به مصرف می رسد . و هیچ دستاوردی هم ندارد . همه جهادی های به حایشه رانده شده به نحوی از انحاء سعی دارند تا داخل این تشکل گردند و از امتیازات مادی برخوردار شوند .

اکنون "گلبدین" که تحت میانجیگری شورای عالی صلح به اصطلاح با این پروژه ملحق شده صرف به خاطر وند گرفتن است تا از این پول های باد آورده بادران بی بهره نماند .

در افغانستان که دو حکومت موازی تحت دو رهبری متجانس یکی در ارگ و دیگری در قلعه "حامد کرزی" حکمروائی دارند ، با آمدن "گلبدین" حکومت موازی به مثلث قدرت تبدیل شد و رفت و آمد ها در قلعه جدید "گلبدین" از مهره های سوخته و مرتجع همه روزه جریان دارد . با گردهمایی های جمعیت اسلامی و تأسیس به اصطلاح کنگره حزب که همه مسلح هم هستند ممکن مثلث قدرت را به مربع (چهار ضلعی) قدرت شکل دهی نماید

و پیامد آن انارشیزم و هرج و مرج دولتی به غرض سلطه جوئی قدرت خواهد انجامید که مردم کابل را سخت پریشان نموده است.

اگر به اصل موضوع برگردم که مصاحبه داکتر صاحب می باشد ، کسانی که سؤال می نمودند از شعله ئی بودن اشخاص سخت هراس داشتند چون شعله ئی ها بودند و هستند که همیشه درفش مبارزه آزادیخواهی را بر افراشته بلند بدوش کشیده اند .

اگرچه داکتر صاحب از داشتن موضع مستقلانه به مخاطبینش بار بار اعلام نمود ولی کجا بود گوش شنوا . رسم روز طوری شده که هر خائینی که با منقش رو به رو شود ، زمانی که منقش کور و لاجواب ماند فوراً برچسب شعله ئی به مخاطبش می زند . شعله ئی ها باید افتخار داشته باشند که از نامش دشمن به هراس می افتد . و باید تذکار داد که شعله ئی ها تا اکنون هیچ جرم و جنایتی را مرتکب نشده اند و به هیچگونه ذلت و خواری سر اطاعت فرو نیاورده اند .

پس شعله ئی بودن افتخار است نه اتهام .

کسی هم به نام قاضی که از تحلیل های علمی داکتر صاحب در مورد "گلبدين" به خشم آمده بود از انضباط و دسپلین حزب « اسلامی » اظهار نظر نمود که در حقیقت تحلیل های داکتر صاحب مورد نظرش قرار نگرفته بود . فکر می شود این شخص از جریانات درونی جنگ مقاومت مردم قهرمان ما بیخبر می باشد .

در دوران جنگ مقاومت رسم بر آن بود ، کسانی که موفق به تشکیل جبهه شده بودند برای به دست آوردن سلاح و مهمات حربی مجبور بودند که با یکی از احزاب هفتگانه و یا هم هشتگانه پیوند تشکیلاتی حاصل نماید و هیچ گونه پیوند تشکیلاتی و سازماندهی منظم حزبی و سرتاسری وجود نداشت و حتی برنامه و اساسنامه حزبی در هیچ یک آنها تدوین نشده بود .

به طور مثال اگر کدام قومندان و یا امر جبهه با بروز اندکترین اختلاف با امیر حزب مربوطه ؛ از آن تنظیم می برید و به یک تنظیم دیگر ملحق می شد . قاضی صاحب که از سمپاتهای حزب « اسلامی » و در لندن زندگی می کند از موضعگیری قومی و نفرت قومی که دارد همیشه به الفاظ رکیک بر مخالفین تاخت و تاز می نماید . "عمر خطاب" هم که مفکوره اسلامی دارد و زیرکانه از برنامه های حزب « اسلامی » خوشبین بوده ، به سؤال کنندگان اسلامی اش وقتی بیشتر می داد تا علیه منقدین حزب « اسلامی » و دفاع از پروسه صلح وی سمپاشی نمایند .

داکتر صاحب گرامی قلمت برانتر و گفتمان سیاسی شما همیشه دشمنکش بوده ؛ روشنفکران آزاده با شما هم نظر و همفکر و حامی شما می باشد .

هر هموطنی که کمی آگاهی سیاسی داشته باشد می تواند بین وطنپرستان و دشمنان مردم خط قرمز کشید .

د.ا.ق.

۲۰۱۷/۲۵/۵